

The Impact of the Islamic Government on Human and Social Prosperity from the Perspective of Contemporary Shia Jurists¹

Ali Akbari Moallem

Assistant Professor, Department of Political Science, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.
Email: a.akbarimoallem@isca.ac.ir



Abstract

The growth of moral and spiritual virtues and the prosperity of human beings and society is one of the main purposes of Allah Almighty in sending prophets and revealing scriptures. This fundamental goal is achieved through various factors, one of which is the Islamic government. Accordingly, the main question of this research is: How, and with what provisions, can the Islamic government influence the growth of moral and spiritual virtues and the prosperity of human beings and society? Through using the views of Imam Khomeini and Shahid Ayatollah Morteza Motahari, and employing an analytical and documentary-descriptive method, this study addresses the question. The findings indicate that, from the perspective of Imam Khomeini and Shahid Motahari, the Islamic government influences the growth of moral virtues and the prosperity of human beings and society by emphasizing two attributes for the leader of the Islamic community—knowledge of divine laws and justice—and two duties for the government—the implementation of Islamic laws and the creation of a suitable environment for citizens.

Keywords

Imam Khomeini, Islamic government, moral and spiritual virtues, Shahid Morteza Motahari.

1. Akbari Moallem, A. (2023). The impact of Islamic government on the prosperity of human beings and society from the perspective of contemporary Shia jurists. *Journal of Jurisprudence and Politics*, 4(8), pp. 53-68. <https://doi.org/10.22081/IJP.2025.72222.1081>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Specialized

▣ **Received:** 2025/07/01 • **Revised:** 2024/07/05 • **Accepted:** 2025/09/16 • **Published online:** 2025/10/13

أثر الحكومة الإسلامية على سعادة الإنسان والمجتمع من منظور فقهاء الشيعة المعاصرين^۱

علي أكبري معلم

أستاذ مساعد، قسم العلوم السياسية، المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران.
a.akbarimoallem@isca.ac.ir



الملخص

إن نمو وتطور الفضائل الأخلاقية والروحية وسعادة الإنسان والمجتمع من أهم أهداف الله تعالى في إرسال الرسل وإزالة الكتب. يتحقق هذا الهدف الأساسي من خلال عوامل عدة، منها الحكم الإسلامي كأحد عوامل تحقيق السعادة الإنسانية والاجتماعية. وعليه، فإن سؤال البحث الرئيسي هو: كيف، وبأي إجراءات، يمكن للحكم الإسلامي أن يكون فعالاً في تنمية القيم الأخلاقية والروحية، وتحقيق السعادة الإنسانية والاجتماعية؟ تمت الإجابة على هذا السؤال بالاعتماد على آراء الإمام الخميني رحمته الله وآية الله الشهيد مرتضى مطهري وباستخدام أسلوب الاستشهاد التحليلي والوثائقي. وتظهر نتائج البحث أنه وفقاً للإمام الراحل والشهيد مطهري، فإن الحكومة الإسلامية تؤثر على تنمية الفضائل الأخلاقية وسعادة الإنسان والمجتمع من خلال التأكيد على صفتين هما معرفة القوانين والأحكام الإسلامية والعدالة لزعم المجتمع الإسلامي، والتركيز على الواجبين المتمثلين في تنفيذ القوانين والأحكام الإسلامية وخلق بيئة مواتية للمواطنين.

الكلمات المفتاحية

الإمام الخميني رحمته الله، الحكومة الإسلامية، الفضائل الأخلاقية والمعنوية، الشهيد مرتضى مطهري.

١. **الاستناد إلى هذه المقالة:** أكبري معلم، علي. أثر الحكومة الإسلامية على سعادة الإنسان والمجتمع من منظور فقهاء الشيعة المعاصرين. الفقه والسياسة، ٤ (٨)، صص. ٥٣-٦٨.

<https://doi.org/10.22081/IJP.2025.72222.1081>

□ نوع المقال: بحثية محكمة؛ الناشر: مكتب الإعلام الإسلامي في حوزة قم (المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران) © المؤلفون

□ تاريخ الإستلام: ۲۰۲۵/۰۷/۰۱ • تاريخ التعديل: ۲۰۲۵/۰۷/۰۵ • تاريخ القبول: ۲۰۲۵/۰۹/۱۶ • تاريخ الإصدار: ۲۰۲۵/۱۰/۱۳

تأثیر حکومت اسلامی بر سعادت انسان و جامعه از دیدگاه فقهای معاصر شیعه^۱

علی اکبری معلم

استادیار، گروه علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.
a.akbarimoallem@isca.ac.ir

چکیده

رشد فضایل اخلاقی و معنوی و سعادت انسان و جامعه از اهداف اصلی خدای متعال در ارسال رُسُل و انزال کُتُب است. این هدف اساسی توسط عوامل متعددی تحقق می‌یابد؛ که حکومت اسلامی یکی از عوامل تحقق سعادت انسان و جامعه است. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش این است که حکومت اسلامی چگونه و با چه تمهیداتی می‌تواند در رشد فضایل اخلاقی و معنوی و سعادت انسان و جامعه تأثیرگذار باشد؟ با استفاده از دیدگاه امام خمینی علیه السلام و آیت الله شهید مرتضی مطهری و با روش تحلیلی و اسنادی - استنادی به این پرسش پاسخ داده شد. یافته تحقیق این است که از نظر امام راحل و شهید مطهری، حکومت اسلامی با تأکید بر دو صفت علم به قوانین و احکام الهی و عدالت برای رهبر جامعه اسلامی، تأکید بر دو وظیفه اجرای احکام و قوانین اسلامی و ایجاد محیطی مساعد برای شهروندان برای حکومت، در رشد فضایل اخلاقی و سعادت انسان و جامعه تأثیرگذار است.

کلیدواژه‌ها

امام خمینی علیه السلام، حکومت اسلامی، فضایل اخلاقی و معنوی، شهید مرتضی مطهری.

۱. **استناد به این مقاله:** اکبری معلم، علی. (۱۴۰۲). تأثیر حکومت اسلامی بر سعادت انسان و جامعه از دیدگاه فقهای معاصر شیعه. فقه و سیاست، ۴(۸)، صص ۵۳-۶۸.

<https://doi.org/10.22081/IJP.2025.72222.1081>

□ نوع مقاله: تخصصی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۴/۱۴ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۲۱

مقدمه

هدف خداوند از ارسال رُسل و انزال کُتب، رشد و کمال اخلاقی و معنوی انسان و برقراری عدالت اجتماعی در جامعه است. عوامل متعددی در تحقق هدف مذکور ایفای نقش می‌کنند؛ از قبیل حکومت، جامعه، عامل زمان و مکان و خود انسان. از میان عوامل متعدد سعادت انسان و جامعه، عامل حکومت اسلامی نقش برجسته‌ای در رشد فضایل اخلاقی و معنوی انسان و جامعه دارد. اهمیت این بحث در تمرکز و توجه به هدف خداوند از آفرینش جهان و انسان است و پرداختن به این که برای تحقق آن هدف والای الهی، تشکیل حکومت اسلامی و رهبری آن توسط فقیه جامع شرایط و عادل ضروری است. همچنین، این تحقیق می‌تواند در تحکیم مبانی نظری حکومت اسلامی و فهم اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام و شهید مرتضی مطهری کمک کند.

سؤال اصلی تحقیق این است که روشن کنیم، از دیدگاه امام خمینی علیه السلام و شهید مطهری، حکومت اسلامی چگونه و با چه تمهیداتی می‌تواند در رشد فضایل اخلاقی و معنوی و سعادت انسان و جامعه تأثیرگذار باشد؟ البته دیدگاه‌های متفاوتی در این زمینه وجود دارد؛ ولی ما در این تحقیق به اقتضای محدودیت زمانی و حجم مقاله، فقط به دو دیدگاه امام خمینی علیه السلام و شهید مطهری می‌پردازیم و پرداختن به دیدگاه‌های دیگر علمای شیعه و اهل سنت را در محل و جای خود وا می‌گذاریم. پاسخ اجمالی به پرسش اصلی آن است که از نظر امام خمینی علیه السلام و شهید مطهری، حکومت اسلامی با تمهیداتی، مثل تأکید بر دو صفت علم به احکام الهی و عدالت برای رهبری حاکم اسلامی، تأکید بر اجرای احکام و قوانین اسلامی و ایجاد محیطی مساعد برای شهروندان به صورت غیر مستقیم و به عنوان وسیله، در رشد فضایل اخلاقی و معنوی جامعه و سعادت انسان تأثیر می‌گذارد. در اینجا، نخست به تعریف برخی مفاهیم مهم مقاله پرداخته می‌شود، سپس به تبیین، پاسخ و نتیجه‌گیری از موضوع پرداخته خواهد شد.

۱. مفاهیم

در این جا مفاهیم اصلی تحقیق تعریف می‌شوند؛ تا منظور از بکارگیری آنها در این پژوهش روشن شود.

دولت: مفهوم دولت از مفاهیمی است که تعاریف متعددی از آن ارائه شده است. در کتاب فرهنگ جدید سیاسی (مهرداد، ۱۳۶۳، ص ۶۲)، دولت به معنای سازمان سیاسی یک جامعه که برای اداره امور آن بوجود می‌آید، تعریف شده است. آقابخشی در کتاب فرهنگ علوم سیاسی (آقابخشی، ۱۳۷۴، ص ۳۲۴)، دولت را سازمانی می‌داند که از حکومت، مردم و سرزمین با مرزهای معین تشکیل یافته است؛ نهاد سیاسی - حقوقی که در راس هرم قدرت یک کشور جای می‌گیرد و حق انحصاری کاربرد قانونی زور را دارد. همان‌طور که برخی دیگر از اندیشمندان علوم سیاسی آورده‌اند (راش، ۱۳۷۷، ص ۴۵)، دولت به معنای اقتدار عالی از قدرت‌هایی است که اعمال قدرت می‌کنند؛ بنابراین، منظور از دولت در اینجا همان نهادی است که عالی‌ترین نوع اقتدار را در یک کشور برای اعمال زور قانونی بر عهده دارد. سوال این است که دولت اسلامی با چنین قدرتی، چگونه می‌تواند در رشد فضایل اخلاقی جامعه مؤثر باشد؟

فضایل اخلاقی و معنوی: فضایل اخلاقی و معنوی در لغت (دهخدا، ۱۳۷۲، ص ۱۲۹۶؛ دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۰، صص ۱۵۱۴۵ و ۱۵۱۵۱)، به معنای صفات نیکو، برتری‌ها و آنچه که در مقابل رذایل و مادیات است؛ معانی که بوسیله قلب شناخته می‌شود. مثل مفاهیم شجاعت، عفت، حکمت و عدالت. استاد شهید مرتضی مطهری (مطهری، ۱۳۸۶ «الف» و «ب»، صص ۵۷ و ۵۱۵)، معتقد است اخلاقیات، مربوط به روح و در اختیار انسان است و در همین دنیا به وسیله خود شخص، معلمان، مربیان و اجتماع، طرح و بنا می‌شود؛ البته قسمتی از استعدادهای اخلاقی مربوط به سرشت و مرحله پیش از تولد است. صفات و مفاهیمی از قبیل تواضع، تکبر، کرم، بُخل، حلم، عدالت، صلح، عفت، تقوا، راستی، درستی و امانت از خلقیات و پایه و اساس هستند.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، تفاوت معناداری بین معنای لغوی و توضیح ارائه

شده توسط شهید مطهری وجود ندارد. بنابراین، مراد از فضایل معنوی و اخلاقی در این نوشتار همان صفات و مفاهیم اخلاقی، معنوی و نیکو است که در مقابل رذایل قرار دارد و قابل تقویت، رشد و توسعه و انتقال آنها از نسلی به نسل دیگر است. در واقع می‌خواهیم به این موضوع پردازیم که چگونه حکومت اسلامی و با چه تمهیداتی می‌تواند صفات و مفاهیم معنوی، اخلاقی و نیکو را در جامعه تقویت نماید؛ تا جامعه رنگ و بوی خدایی به خود بگیرد؟

عدالت اجتماعی: عدالت اجتماعی از آرمان‌های بشری و از مباحث مهم فلسفه سیاسی است و از نظر اندیشمندان اسلامی به مثابه رعایت تناسب، استحقاق‌ها و شایستگی‌ها می‌باشد (بیات، ۱۳۸۱، ص ۳۷۶). علامه طباطبایی در ارائه تعریفی از عدالت می‌نویسد: عدالت، دادن حق به هر نیرویی است که دارای حق است و قرار دادن وی در جایی که شایسته است (بیات، ۱۳۸۱، ص ۳۷۷). کتاب فرهنگ علوم سیاسی (آقابخشی، ۱۳۷۴، ص ۳۱۷)، ضمن تکرار تعریف علامه طباطبایی اضافه می‌نماید، عدالت اجتماعی به وضعیتی اطلاق می‌شود که هر فرد براساس کار، امکانات فکری، ذهنی و جسمی بتواند از موقعیت‌های متناسب و نعمات برخوردار شود. استاد مطهری (مطهری، ۱۳۸۶ «ب» ص ۲۵۲)، در همین خصوص با بیان مطالبی از امام علی (علیه السلام) می‌نویسد: مقتضای عدالت این است که تبعیض‌ها و تفاوت‌های بی‌جا و بلااستحقاق نباشد و تفاوت‌ها تابع استعدادها و لیاقت‌ها باشد. مقتضای عدالت در شرایط حقوق مساوی، مساوات است، نه در شرایط نامساوی. سوال این است که عدالت اجتماعی با این مفهوم یاد شده چه نقشی در رشد فضایل اخلاقی و معنوی انسان و جامعه ایفا خواهد کرد؟

۲. هدف اسلام

از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله) و استاد شهید مطهری از هدف‌های خداوند در ارسال رُسل و انزال کُتب، تهذیب نفس، تأمین سعادت و تکامل انسان است و تکامل نیز نیازمند تعلیم و تربیت، جعل قانون و تشکیل حکومت برای اجرای قوانین و احکام الهی است. امام خمینی (رحمه الله) در همین زمینه می‌فرماید: ... تمام انبیا، موضوع بحث، تربیت و علمشان، انسان

است. آمده‌اند این موجود طبیعی را از مرتبه طبیعت به مرتبه عالی مافوق الطبیعه و مافوق الجبروت برسانند (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۷، ص ۲۲۳). امام راحل در توضیح همین مطلب مهم می‌نویسد: «انبیا که دیدند مردم در هلاکت هستند از حیث اخلاق، از حیث عقاید، از حیث اعمال، مکتب‌هایی را خدای تبارک و تعالی به آنها الهام کرد تا نجات بدهد انسان را به همه ابعادی که دارد. اگر انسان، حیوانی بود مثل سایر حیوانات، لکن حیوانی که تدبیر دارد، حیوانی که اهل صنعت است، اگر این بود، احتیاج به آمدن انبیا نداشت. برای این که این راه، راهی است که مادیین خودشان ادراک می‌کنند. آمدن انبیا برای این است که آن راه‌هایی که بشر نمی‌داند، آن حقایقی را که انسان نمی‌داند، به آنها تعلیم بفرماید. انبیا برای راهنمایی یک مقام بالاتر، یک مقام انسانی بالاتر آمده‌اند. قرآن کتاب آدم سازی است، برای آدم ساختن آمده است. کتاب حیوان سازی نیست، کتاب تعمیر مادیت نیست، همه چیز است، انسان را به تمام ابعاد تربیت می‌کند، مادیات را قبول دارد، در پناه معنویات و مادیات را تبع معنویات قرار می‌دهد» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۷، ص ۱۶). استاد مطهری در تبیین هدف اساسی اسلام می‌نویسد: «اسلام مردم را به تعلیم و تعلّم و علم فرا می‌خواند. در واقع، هدف اسلام و جزو خواسته‌های اسلام، عالم بودن امت اسلامی است؛ چون لازمه تکامل و رستگاری بشر است» (مطهری، ۱۳۸۶ «الف»، ص ۵۳۰). البته قدر مسلم شامل آن علم‌های مورد تأکید اسلام است که از شرایط ایمان است (مطهری، ۱۳۸۶ «الف»، ص ۵۳۳). یعنی تأکید بر تقویت معنویت و ایمان در جامعه برای رسیدن به هدف و رستگاری و تکامل است. از این مطلب می‌توان استنباط کرد که حکومت آن هم حکومت اسلامی با رهبری علمای دینی برای تعلیم و تربیت مورد نظر خدا و تکامل لازم است. وی در ادامه در تفسیر فریضه بودن علم مورد نظر در حدیث نبوی که فرمود: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» می‌گوید: اگر آن علمی که در اسلام هدف است پس خودش واجب است و اگر آن علمی باشد که مقدمه برای هدف اسلام به حساب می‌آید و هدف‌های اسلامی متوقف به آن باشد، از باب مقدمه واجب، واجب می‌شود (مطهری، ۱۳۸۶ «الف»، ص ۵۳۳)؛ بنابراین، هدف خداوند از آفرینش، تکامل انسان است و تکامل نیز نیازمند تعلیم و تربیت است و دستیابی به این هدف و رستگاری بشر، محتاج

به تقویت فضایل معنوی و اخلاقی از طرق گوناگون بویژه حکومت اسلامی است.

۳. هدف از تشکیل حکومت اسلامی

بی تردید هدف غایی از تشکیل حکومت اسلامی، تحقق هدف اسلام یعنی رساندن جامعه به سعادت و رستگاری است. اما این کار با اجرای قوانین و احکام اسلامی امکان پذیر است؛ بنابراین، هدف از تشکیل حکومت اسلامی اجرای احکام الهی، برقراری عدالت و تأمین امنیت و آرامش الی الابد برای رسیدن به سعادت است. امام خمینی رحمته الله در کتاب کشف اسرار (امام خمینی، بی تا، صص ۲۲۲-۲۳۰). در همین زمینه می نویسد: «...حکومت باید با قانون خدایی که صلاح کشور و مردم است، اداره شود... اسلام جهان را برای نفع خود جهانیان می خواهد مسخر کند... اسلام جهان را برای نشر عدالت و احکام خردمندانه خدایی می گیرد... اسلام جهان را برای زندگانی معنوی و آماده کردن جهانیان را برای زندگانی سراسر سعادت و پرافتخار آن جهان می خواهد بگیرد... باید تشکیل حکومت اسلامی در تحت نظر امام عادل یا به امر او شود تا به این امر اقدام شود». امام راحل در کتاب ولایت فقیه پیرامون همین موضوع می فرماید: «تعیین خلیفه برای حکومت است. ما خلیفه می خواهیم تا اجرای قوانین کند. چون قانون مجری لازم دارد... جعل قانون به تنهایی فایده ندارد و سعادت بشر را تأمین نمی کند. ضرورت تشکیل حکومت برای اجرای احکام الهی در تحقق رسالت و ایجاد عدالت اجتماعی آن قدر مهم بوده که تعیین جانشین توسط پیغمبر صلی الله علیه و آله پس از خود مرادف اتمام رسالت بیان شده است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۴). حضرت امام در بیان ضرورت همیشگی تشکیل حکومت برای اجرای احکام الهی و تأمین امنیت جامعه برای دستیابی به سعادت بشر می نویسد: «تشکیل حکومت و برقراری دستگاه اجرا و اداره تا ابد ضرورت دارد. بدون تشکیل حکومت و بدون دستگاه اجرا و اداره، که همه جریانات و فعالیت های افراد را از طریق اجرای احکام تحت نظام عادلانه درآورد، هرج و مرج بوجود می آید و فساد اجتماعی و اعتقادی و اخلاقی پدید می آید» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۹ و ۳۱). پس برای این که هرج و مرج و عنان گسیختگی پیش نیاید و جامعه دچار فساد نشود، چاره ای نیست

جز تشکیل حکومت و انتظام بخشیدن به همهٔ اموری که در کشور جریان می‌یابد. در واقع، بدون تشکیل حکومت و اجرای احکام الهی، هرج و مرج و فساد اجتماعی و اعتقادی و اخلاقی بوجود می‌آید که در این صورت، چنین جامعه‌ای به سعادت و رستگاری نمی‌رسد.

امام راحل در بیان این که خداوند تمام احتیاجات مردم را برای دستیابی به سعادت و کمال در قرآن مجید و سنت آورده است و اجرای مجموعه دستورات خداوند موجب سعادت و رستگاری بشر می‌شود می‌نویسد: «احکام شرع حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام کلی اجتماعی را می‌سازد. در این نظام حقوقی هرچه بشر نیاز دارد فراهم آمده است... برای همهٔ مراحل، دستور و قانون دارد تا انسان تربیت کند؛ انسان کامل و فاضل... قرآن مجید و سنت شامل همهٔ دستورات و احکامی است که بشر برای سعادت و کمال خود احتیاج دارد... اجرای آنها و عمل به آنها مستلزم تشکیل حکومت است و بدون تأسیس یک دستگاه عظیم و پهن‌آور اجرا و اداره نمی‌توان به وظیفه اجرای احکام الهی عمل کرد» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۲۱).

استاد شهید مطهری نیز در بحثی از هدف نهضت در این باره معتقد است: «ما در نهضت اسلامی و بنیان‌گذاری جمهوری اسلامی در پی تحقق چهار هدف کلی بودیم؛ اول، بازگرداندن نشانه‌های محو شدهٔ راه خدا یعنی بازگشت به اسلام نخستین و اسلام راستین؛ بدعت‌ها را از میان بردن و سنت‌های اصیل را جایگزین کردن؛ یعنی اصلاحی در فکرها و اندیشه‌ها و تحولی در روح‌ها و ضمیرها و قضاوت‌ها در زمینهٔ خود اسلام. دوم، تحول بنیادین در اوضاع زندگی خلق خدا. سوم، اصلاحی در روابط اجتماعی انسان‌ها و کوتاه کردن دست ستم کاران از سر ستم‌دیدگان و مظلومان و چهارم، برپایی مقررات تعطیل شده خدا و قانون‌های نقض شده اسلام و حاکمیت احکام اسلام بر زندگی اجتماعی مردم» (مطهری، ۱۳۸۵ «ج»، ص ۷۲).

بنابراین، از اهداف مهم و غایت حکومت اسلامی، تربیت مردم، متحول نمودن جامعه با اجرای احکام و قوانین اسلامی برای رسیدن به سعادت و رستگاری است. در واقع، دستیابی به موفقیت، منوط به توجه افکار و اندیشه‌ها به اسلام، زدودن بدعت‌ها و

خرافه‌ها از جامعه، سامان بخشیدن به وضع زندگی عمومی مردم و برقراری روابط انسانی سالم در جامعه براساس الگوی اسلامی و حاکمیت احکام و قوانین خدایی در جامعه می‌باشد.

۴. تشکیل حکومت وسیله‌ای برای سعادت بشر

اینکه تشکیل حکومت برای اصلاح و سعادت بشر ضروری است از باب مقدمه واجب است؛ یعنی در صورت فقدان حکومت اسلامی، احکام خداوند تحقق نمی‌یابد. چون ماهیت و کیفیت قوانین اسلام به گونه‌ای است که بدون حکومت قابل اجرا نیست و خوشبختی بشر تأمین نمی‌شود. مثل اجرای حدود، احکام مالی و دفاع ملی. تحقق هدف خداوند که همان رشد و کمال اخلاقی و معنوی، عدالت اجتماعی و خوشبختی بشر است، با اجرای قوانین و احکام الهی به دست می‌آید. چراکه جعل قانون به تنهایی فایده‌ای ندارد؛ بنابراین، حکومت اسلامی یک نقش واسطه را برای سعادت بشر بر عهده دارد و وسیله‌ای لازم برای دستیابی به اهداف الهی است. امام خمینی علیه السلام در همین باره می‌فرماید: «مجموعه قانون برای اصلاح جامعه کافی نیست. برای اینکه قانون مایه اصلاح و سعادت بشر شود، به قوه اجرائیه و مجری احتیاج دارد. به همین جهت، خداوند متعال در کنار فرستادن یک مجموعه قانون، یعنی احکام شرع، یک حکومت و دستگاه اجرا و اداره مستقر کرده است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۷). وی در جای دیگر می‌نویسد: «اگر حکومت در دست فاسد باشد، هدف خدا تحقق پیدا نمی‌کند...» (امام خمینی، ۱۳۶۵، ج ۱۸، ص ۱۵۵). «بسیاری از احکام... بدون یک تشکیلات حکومتی تحقق نمی‌یابد» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۲۵). امام خمینی علیه السلام در این باره که حکومت وسیله‌ای برای سعادت بشر است در کتاب ولایت فقیه می‌نویسد: «انبیا نیامده‌اند حکومت درست کنند، حکومت را می‌خواهند چه کنند؟ این هم هست. اما نه این است که انبیا آمده‌اند که دنیا را اداره کنند، حیوانات هم دنیا دارند، کارخودشان را اداره می‌کنند. البته بسط عدالت همان بسط صفت حق تعالی است. برای اشخاصی که چشم دارند. بسط عدالت هم می‌دهند، عدالت اجتماعی هم به دست آنها ست. حکومت هم تأسیس می‌کنند، حکومتی که

عادل باشد، لکن مقصد این نیست، اینها همه وسیله است که انسان برسد به یک مرتبه دیگری که برای آن انبیا آمده‌اند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۶۲). امام خمینی علیه السلام با صراحت در این زمینه می‌نویسد: «عهده‌دار شدن حکومت فی حدّ ذاته شأن و مقامی نیست بلکه وسیله انجام وظیفه اجرای احکام و برقراری نظام عادلانه اسلام است.... این وسیله به کار خیر و تحقق هدف‌های عالی نیاید، هیچ ارزش ندارد» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۴۴). اسلام به قانون نظر «آلی» دارد؛ یعنی آن را آلت و وسیله تحقق عدالت در جامعه می‌داند، وسیله اصلاح اعتقادی و اخلاقی و تهذیب انسان می‌داند. قانون برای اجرا و برقرار شدن نظم اجتماعی عادلانه به منظور پرورش انسان مهذب است. وظیفه مهم پیغمبران اجرای احکام بوده و قضیه نظارت و حکومت مطرح بوده است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۶۲)؛ بنابراین، گرفتن حکومت و قدرت و اجرای احکام الهی و برقراری عدالت برای تحقق هدف اصیل اسلامی (اجرای احکام الهی، عدالت، معنویت، انسان سازی، دستیابی به سعادت و رستگاری) است و این از مهمترین وجوه تمایز بین حکومت‌های الهی و غیر الهی است و تشکیل حکومت به خودی خود ارزش و اعتباری ندارد بلکه از باب مقدمه واجب و وسیله بودن، ضروری و واجب است.

۵. تشکیل حکومت اسلامی و اختیاری بودن فضیلت و سعادت بشر

اگرچه از ابزار دستیابی به فضیلت و سعادت، تشکیل حکومت اسلامی برای اجرای احکام و قوانین الهی ضروری است ولی این مطلب، مستلزم اجبار و اکراه جامعه و افراد برای رسیدن به سعادت و رستگاری نمی‌باشد. چون ضرورت رسیدن به فضیلت، سعادت و انجام عمل صالح، برخورداری از اراده و اختیار است و حکومت اسلامی زمینه‌ساز و تسهیل کننده برای دستیابی به این هدف است. مبنا و سنت الهی این است که انسان و جامعه با اراده و اختیار خود به سعادت برسد. امام خمینی علیه السلام در کتاب آداب الصلوة در این خصوص می‌نویسد: «... و اگر ممکن بود اکراهاً مردم را به سعادت برسانند، می‌رسانند، لکن هیئات! راه آخرت راهی است که جز با قدم اختیار نمی‌توان آن را پیمود؛ سعادت با زور حاصل نشود؛ فضیلت و عمل صالح بدون اختیار، فضیلت نیست و

عمل صالح نمی‌باشد و شاید معنی آیه شریفه «لا اکراه فی الدین» نیز همین باشد. بلی آنچه در آن، اِعمال اکراه و اجبار می‌توان کرد، صورت دین الهی است؛ نه حقیقت آن. انبیا مأمور بودند که صورت را با هر طور ممکن است تحمیل مردم کنند تا صورت عالم، صورت عدل الهی شود و مردم را ارشاد به باطن نمایند تا مردم به قدم خود آن را بپیمایند و به سعادت برسند» (امام خمینی، ۱۳۷۳، ص ۳۷).

بنابراین، برای رساندن جامعه به سعادت و رستگاری، داشتن قدرت سیاسی و بکارگیری آن ضروری است و انسان سازی و تهذیب نفوس هدف نهایی و حقیقی قدرت سیاسی و حکومت اسلامی به شمار می‌آید؛ اما راه سعادت با اکراه حاصل نمی‌شود. منتها انبیا اکراه و اجبار صورت دین الهی می‌کردند؛ نه اجبار در حقیقت دین الهی که آن راه دل، فضیلت و عمل صالح است؛ بنابراین برای تحقق هدف، هم تشکیل حکومت اسلامی واجب است و هم وجود حاکم اسلامی با دو ویژگی علم به قانون الهی و عدالت؛ تا بتواند با استفاده از حکومت و اجرای کامل و مؤفق حدود الهی و قوانین و احکام خدا، زمینه رشد معنوی جامعه و رسیدن آنان به فضیلت و سعادت را فراهم نماید (امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۳۸). در هر صورت، دولت می‌تواند نقش مهمی در رشد فضایل اخلاقی جامعه ایفا کند؛ اگرچه سعادت و فضیلت از راه دل میسر باشد.

۶. رابطه عدالت اجتماعی با معنویت و سعادت بشر

برقراری عدالت اجتماعی از برنامه‌های مهم اسلام برای جامعه در تقویت معنویت و دستیابی به سعادت و رستگاری است؛ به گونه‌ای که معنویت و سعادت بدون تحقق عدالت اجتماعی، متزلزل و ناکافی است. به عبارت دیگر، اخلاق نیکو، صفای قلب و تزکیه روح در محیط متعادل و برخوردار از نظام عادلانه رشد و توسعه می‌یابد. در واقع، بین امور معنوی، سعادت و خوشبختی بشر و تشکیل حکومت اسلامی و اجرای قوانین الهی و ایجاد عدالت اجتماعی، تلازم و رابطه معناداری برقرار است؛ یعنی اگر نظام عادلانه اجتماعی در جامعه‌ای برقرار شود، معنویت زمینه ظهور می‌یابد و افراد جامعه با ویژگی فضیلت، تربیت می‌شوند ولی در صورت وجود تبعیض و بی‌عدالتی، بیماری

روحی و روانی در جامعه تولید می‌شود و بشر به سعادت نمی‌رسد. برای ایجاد رابطه معنادار و موفق بین معنویت و عدالت اجتماعی در تحقق هدف، تشکیل حکومت اسلامی برای اجرای قانون و احکام الهی و تحقق بخشیدن نظام عادلانه اجتماعی با رهبری فقهای جامع شرایط (علم به قانون الهی، عدالت و تقوا برای تزکیه نفس و تعالی انسان و شکوفایی روح) ضروری است. امام خمینی علیه السلام در این باره که بین سعادت بشر و ایجاد عدالت اجتماعی رابطه معنا داری وجود دارد، توضیح می‌دهد که ما باید شرایط اجتماعی مساعدی برای تربیت افراد مؤمن و با فضیلت فراهم سازیم و نظام عادلانه اجتماعی ایجاد نماییم که ایجاد نظام عادلانه مایه خوشبختی بشر است (امام خمینی، ۱۳۷۸، صص ۱۵ و ۲۶). در غیر این صورت، نظام سیاسی غیراسلامی برقرار می‌شود که موجب بی‌اجرا ماندن نظام سیاسی اسلام است و در حکومت طاغوت و شرک، رسیدن به سعادت و خوشبختی میسر نمی‌باشد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۲۶). استاد شهید مطهری در اینکه منطق اسلام، برقراری عدالت توأم با معنویت و سعادت بشر است می‌نویسد: «اسلام در زمینه عدالت اجتماعی، معنویت را جزء لاینفک می‌داند... معنویت را پایه و اساس می‌شمارد» (مطهری، ۱۳۸۵ «الف»، ص ۱۵۵). وی در وجود ملازمه بین ایجاد عدالت اجتماعی و دستیابی به معنویت در اسلام می‌گوید: «اگر در جامعه‌ای عدالت اجتماعی برقرار نباشد، پایه معنویت هم متزلزل خواهد بود. منطق اسلام این است که معنویت را با عدالت توأم با یکدیگر می‌باید در جامعه برقرار کرد. در جامعه‌ای که عدالت وجود نداشته باشد، هزاران هزار بیمار روانی بوجود می‌آیند... و عقده‌های روانی تولید انفجار می‌کند» (مطهری، ۱۳۸۵ «الف»، ص ۱۵۵). همه عبادات که در اسلام بر روی آن تکیه شده است، برای تقویت جنبه معنوی روح انسان است (مطهری، ۱۳۸۵ «الف»، ص ۱۷۹). به نظر ایشان ایجاد عدالت اجتماعی و عدم وجود تبعیض و محرومیت و احساس معنویت در مردم، موجب پیدایش و گسترش عقاید پاک و اخلاق پاک، صفای قلب و اعمال خوب و سعادت (مطهری، ۱۳۸۵ «ب»، ص ۷۳۴)، و در عوض، وجود بی‌عدالتی در جامعه باعث فساد اخلاق، ناراحتی‌های روحی و انحطاط می‌شود (مطهری، ۱۳۸۵ «ب»، ص ۷۳۸).

بنابراین بین امور معنوی و سعادت بشر و برقراری نظام عادلانه اجتماعی و رفع

تبعیض، ملازمه وجود دارد؛ یعنی رسیدن بشر به سعادت و تحقق امور معنوی منوط به ایجاد عدالت اجتماعی و تحقق عدالت اجتماعی است؛ چراکه برقراری عدالت اجتماعی، زمینه ساز تحقق امور معنوی و خوشبختی بشر است.

نتیجه گیری

نوشتار حاضر در پی این مطلب بود تا نقش و تأثیر حکومت اسلامی را بر رشد فضایل اخلاقی و معنوی جامعه و در دستیابی انسان و جامعه به سعادت و خوشبختی را از دیدگاه فقهای معاصر شیعه تبیین نماید. در واقع، در پی پاسخ به این سؤال اصلی برآمد که حکومت اسلامی چگونه و با چه تمهیداتی می تواند در رشد فضایل معنوی و سعادت انسان و جامعه ایفای نقش کند؟ این پرسش از دیدگاه امام خمینی علیه السلام و استاد شهید مرتضی مطهری پاسخ داده شد. پس از بررسی آثار دو فقیه و دانشمند اسلامی معاصر شیعه (امام خمینی و شهید مطهری) روشن شده است که دستیابی به هدف الهی (تکامل، سعادت و خوشبختی بشر و جامعه) نیازمند اجرای احکام و قوانین الهی، ایجاد نظام عادلانه اجتماعی، تعلیم و تربیت و تقویت فضایل معنوی و اخلاقی است.

برای تحقق هدف اسلام و برای اجرای اوامر الهی جهت دستیابی به هدف اسلام، تشکیل حکومت اسلامی و اداره آن توسط فقهای عادل و با تقوا ضروری می باشد؛ به عبارت دیگر، تشکیل حکومت اسلامی و رهبری فقهای جامع شرایط از ابزارهای مهم و ضروری برای رسیدن به هدف سعادت و خوشبختی بشر بوده و از باب مقدمه واجب، واجب به حساب می آید.

تأسیس حکومت اسلامی و رهبری آن توسط فقهای جامع شرایط برای اجرای قوانین الهی و ایجاد عدالت اجتماعی در تحقق هدف اسلام و تأمین سعادت بشر، تعارضی با اختیار و اراده انسان ندارد. از دیدگاه امام خمینی علیه السلام و شهید مطهری، سعادت انسان با زور حاصل نمی شود و اساساً فضیلت و عمل صالح با اجبار، فضیلت محسوب نمی شود. حکومت اسلامی با هدایت فقها فقط می تواند ظاهر و صورت دین الهی را با اجبار و اکراه محقق سازد. اگرچه صورت و ظواهر در تحقق سعادت و خوشبختی انسان

مؤثر است؛ ولی تمام العلة نمی‌باشد. لامحاله، سعادت واقعی انسان و جامعه زمانی به دست می‌آید که حقیقت دین الهی از راه دل مورد پذیرش قرار گرفته و با عمل صالح، توسعه و استمرار یابد.

در بررسی حاضر روشن شده است، بین دستیابی به سعادت انسان و جامعه و امور معنوی و بین ایجاد حکومت اسلامی و برقراری عدالت اجتماعی رابطه معنا داری وجود دارد؛ یعنی تحقق امور معنوی و سعادت بشر نیازمند ایجاد حکومت اسلامی است؛ درواقع، بدون داشتن حکومت اسلامی، زمینه تحقق هدف اسلام فراهم نمی‌شود؛ چراکه تشکیل حکومت اسلامی برای اجرای قوانین الهی و ایجاد نظام عادلانه اجتماعی، زمینه‌ساز تحقق فضایل معنوی و سعادت بشر است.

فهرست منابع

- آقا بخشی، علی. (۱۳۷۴). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- بیات، عبدالرسول. (۱۳۸۱). فرهنگ واژه‌ها. قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
- امام خمینی، روح اله. (۱۳۷۸). ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح اله. (۱۳۷۳). آداب الصلوة (آداب نماز) (چاپ چهارم). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح اله. (۱۳۶۱). صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ج ۷). تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- امام خمینی، روح اله. (۱۳۶۵). صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ج ۱۸). تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- امام خمینی، روح اله. (بی تا). کشف الاسرار. بی جا.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۲). لغت نامه دهخدا (چاپ اول، ج ۱، ۱۰). تهران: دانشگاه تهران.
- راش، مایکل. (۱۳۷۷). جامعه و سیاست، مقدمه‌ای بر جامعه شناسی سیاسی (مترجم: منوچهر صبوری). تهران: سمت.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵/الف). آینده انقلاب اسلامی ایران. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵/ب). مجموعه آثار (چاپ سوم، ج ۲۳). تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۶/الف). مجموعه آثار (چاپ سوم، ج ۲۲). تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۶/ب). مجموعه آثار (چاپ اول، ج ۲۵). تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵/ج). مجموعه آثار (چاپ اول، ج ۲۴). تهران: انتشارات صدرا.
- مهرداد، محمود. (۱۳۶۳). فرهنگ جدید سیاسی. تهران: انتشارات هفته.